

فصل اول

موضوع مطالعه روانشناسی ← پدیده های زنده

روانشناسی ← مطالعه ی علمی رفتار و فرآیندهای ذهنی موجود زنده

در ارتباط رفتار و عمل ← عمل رفتاری قابل مشاهده است

روانشناسان رفتار گرا روانشناسی را مطالعه رفتار آشکار تعریف می کنند .

تعریف روانکاوان از روانشناسی عبارتست از مطالعه ی ذهن هوشیار و ناهوشیار .

علت وجود تعاریف گوناگون از روانشناسی ← گذشت زمان، پیشرفت دانش و نگرش های متفاوت

در سال ۱۸۸۴ که هنوز روانشناسی به خوبی از فلسفه جدا نشده بود توسط مک کاشی تحت عنوان علم روح تعریف شد .

تعریف روش بالینی ← مطالعه ی عمیق موارد فردی

روش آزمایشی ناب بهترین روش پژوهشی محسوب می شود .

فعالیت نسبت دادن اعداد به اشیاء یا رویدادها بر مبنای قواعد معین ← اندازه گیری

امروزه در روانشناسی با دو نوع روش شناسی برخورد می کنیم: الف) روش آزمایشی ب) روش بالینی

مکتب ساخت گرایی معتقد است که همچون شیمی، گام اول در مطالعه ی ذهن، توصیف بنیادها یا مولفه های حس کردن، تجسم و هیجانات است .

مکتب روانشناسی گشتالت بر این باور است کلی در خودش چیزی دارد که در مجموع اجزای آن نمی گنجد .

مکتب روانشناسی کارکردگرایی اینکه ذهن و رفتار چه می کنند را مورد بررسی قرار داد .

تولد روانشناسی را به تاسیس آزمایشگاه روان شناسی توسط ویلهلم وونت در سال ۱۸۷۹ نسبت می دهند .

در مکتب روان کاوی این باور وجود دارد که علت رفتار به محتوای ناهشیار مربوط می شود .

الگوهای شناخت گرایی در اواخر قرن بیستم شکل گرفت و از رفتار گرایی جدا شد .

روش مورد مطالعه روان شناسان ساخت گرا ← درون نگری

جست و جوی دانش از راه مشاهده و آزمایش از نیروهای تجربه گرایی محسوب می شود .

در مکتب روانشناسی روانکاوی ، ذهن ناهشیار و محتوای آن شامل سرشت و پرورش مورد مطالعه قرار می گیرد .

نخستین مکتبی که بر مبنای دیدگاه وونت شکل گرفته است ← ساخت گرایی

بررسی مطالعه موثر جهت بهبود کارآمدی تحصیلی و رفع موانع یادگیری و تشخیص اختلالات در قلمرو روانشناسان پرورشی است .

پاسخ به این سؤال که چرا همرنگی در خانمها بیشتر از آقایان است؟ به حوزه ی روانشناسی اجتماعی مربوط می شود . روان شناسان فیزیولوژیک به مطالعه ی سرچشمه های بنیادین رفتار و رابطه ی آن با جنبه های زیست شناختی موجود زنده می پردازند .

رفتار را می توان اندازه گیری کرد .

در دانش آزمایشی گام اول ← مشاهده

در کدام مکتب روانشناسی ساخت گرایی ، مطالعه ی ذهن توصیف مولفه های حس کردن، تجسم و هیجانات است . وجه اشتراک الگوی روانکاوی و رفتار گرایی ← آدمی را فاقد اختیار می دانند.

در مکتب رفتار گرایی این باور وجود دارد که روانشناسی باید همچون فیزیک و شیمی به مطالعه آزمایشی پدیده های عینی بپردازد .

آغاز علمی بودن روانشناسی به تاسیس اولین آزمایشگاه روان شناسی مربوط است . واتسون الگوی رفتار گرایی را شکل داد .

بنیانگذار روانشناسی گشتالت ← ورتهایمر

مکتب گشتالت در روانشناسی به معنای شکل کلی است و معتقد است که ذهن وقتی بهتر دیده می شود که اجزایش به خوبی کنار هم سازمان یابد و با مطالعه جزء نمی توان اطلاعات درستی از کلیت آن به دست آورد . از نظر وونت روانشناسی باید به مطالعه هوشیاری بپردازد .

در مکتب رفتار گرایی بر روش شناسی آزمایشگاهی تاکید زیادی می شود .

مطالعه روابط میان باورها و هیجان هایی نظیر خشم و شرم مربوط به حوزه بنیادین از روانشناسی می شود . داده های به دست آمده از روش آزمایشی دقیق تر است .

در روانکاوی قدیم (فروید) روش مورد مطالعه جهت بررسی موضوع روانشناسی ← تحلیل روانی

پژوهش (رابطه میان آموزش درمانگری شناختی برای کاهش افسردگی دانش آموزان راهنمایی) در حوزه به کار بسته (کاربردی) جای می گیرد .

در روش همبستگی، روانشناسی به مطالعه ی عمیق موارد فردی می پردازد .

در الگوی رفتار گرایی آدمی مجبور و فاقد اختیار است.

نخستین روش مطالعه پس از تاسیس آزمایشگاه روان شناسی توسط وونت و همکارانش $\Leftarrow$ درون نگری واتسون معتقد بود که رفتار محصول محرک بیرونی است و تنها به مطالعه ی رفتار آشکار بر اساس روش شناسی آزمایشی معتقد بود .

در مکتب روانشناسی روانکاوی، این باور وجود دارد که رفتارهای آدمی از محتوای ناهوشیار سرچشمه می گیرد که خود فرد به آنها واقف نیست .

روانشناسی اجتماعی به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که چرا پس از پایان مسابقه فوتبال عده ای رفتارهای اوباشی نشان می دهند ؟

مهمترین فرض دیدگاه روانکاوی عبارتست از اکثر رفتارهای ما ریشه در فرآیندهای ناخودآگاه و گذشته دارد.

در حوزه بنیادین روانشناسان به مطالعه رفتارهای موجودات زنده از نظر سرچشمه ها، روابط و شرایط آشکار شدن آنها می پردازند.

در روش شناسی بالینی به مطالعه عمیق موارد فردی پرداخته می شود و حتی ممکن است در صورت اجبار از روش آزمایشی موقتاً جدا شود.

مکتب ساخت گرایی اعتقاد دارند که موضوع مورد مطالعه روان شناسی باید همانند آب به اجزای خودش تجزیه شود . جان.بی.واتسون بنیان گذار دیدگاه رفتاری است .

فرض بنیادی دیدگاه روانکاوی این است که از فرایندهای ناخود آگاه ریشه می گیرد.

دکارت دوره روانشناسی نوین را پایه گذاری کرد .